

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد آصف فقیری

۰۷ جنوری ۲۰۲۴



محمد آصف فقیری

تقابل عقل و نقل در چیست؟

عقل با وحی الهی تقابل ندارد که مکمل و تکمیل کننده عقلست...!

شرح مطلب:

اول عقل محض یا جوهر را، با آگاهی فرق کنیم، آگاهی آنچه توسط حواس دریافت می کنیم و عقل جوهریست متافزیک از عالم امر، پس عقل در عالم دنیا یا فزیک توانائی مدیریت منابع دنیا و نظم را دارد مانند کشورهای سکولار... برای این که وحی را بهتر بدانیم، هستی و ممکنات که این دنیا جز آنست در برابر کرسی الله مانند یک خرما یا یک انگشتری در تفاسیر معتبر بیان شده، پس وحی الهی جایگاه بسیار متعالی دارد تا بیاید برای ما اختراع گوشی و طیاره و غیره موارد در فزیک کند...

این که عقل در برابر عقل کل یا جوهر خدائی ناتوان بوده و یا عقیم است، خود الله رحمت می کند و کلامش به یاری این ناتوانی عقل می رسد که صاحب عقل را کامل سازد. یعنی در ارزش معنی و مبانی تقابل بین عقل و وحی نیست. البته بینش و آگاهی هرکس با عقل محض فرق دارد.^۱ اما وحی که در تفاسیر قرآن بل قرآن و حدیث و مفسرین ارایه می شود و از اینجاست که مشلات امروزی ما هم حل می گردد این را جزء سیر تکامل عقل و وحی دانست، آنچه ملا با مجموعه نقل به خصوص در سیاست آفتابی می شود به جز عقب ماندگی و دین زدگی چون قرون وسطا حاصلی ندارد. دین از سیاست جدانیست، ملا که دین گفته نمی شود...

یعنی نقل یا اقوال گذشته و همینطور یافته های ما امروز از قرآن برای نسل آینده و این تسلسل مفهومی برمی گردد به جوانان که تحقیق و پژوهش را اولویت توسعه شان قرار دهد. مگر این که نقل در فقدان عقلانیت در وجود سلب عقل

^۱ برای درک عمیق عقل: میتافزیک ارسطو مطالعه شود...!

کند در این وضعیت فرد، البته حکمت دین منظور نیست، بل فرد با مجموعه نقل های که دارد مانند ربات از انسان ها استفاده های باوری و منفعتی خود را می کند.

به طور مثال: در قرون وسطا که عقلگرایی سرکوب می شد و مقدار یا اندازه مساحت جنت توسط پاپ ها به فروش می رسید تا یک دانشمندی پیدا می شود و مطالبه خرید دوزخ می کند. هر چند برای پاپ ها خیلی تعجب آور بود اما زیادی مطالبه می کند که با هوش تمام حاضرست جنت نه، بلکه دوزخ را بخرد و تمامی مساحت دوزخ را به اساس نقل که در دست پاپ ها بود می خرد و بعد آن به مردم این چنینی ابلاغ می کند: من صاحب دوزخ و تمامی دوزخ پس من نمی گذارم شما در روز قیامت، دوزخ بیابید. که حالا ضرورت نیست دیگر جنت بخرد، زیرا عرف تا آن زمان قسمی بود که فرد همه عمر کار کند و حاصل تمامی زحمات خود را به پاپ دهد تا جنتی برای روز آمدنی داشته باشد.

همینطور اذهان بدوی افغانستان دین را در افکار شان در وجود ملا خلاصه کرده اند و هر نقل را بدون تحلیل و تفکر می پذیرند.

الته عقاید و نحوه عبادات قطعی است نوآوری در آن جایز نیست که در بین شش ماه تا یک سال تمامی مسایل عقاید را یا فقه اکبر ابو منتهی و الهدایه فقه عبادات را در فقه حنفی می توانید خودتان بخوانید و آگاه شوید و استقلال عقل تان را در امور دنیائی و سیر تفکر معنی یا عرفان به خودی خود داشته باشید، و ضرورت علمی دینی به ملا نداشته باشید، زیرا هستی امروز شما و بلوغ سیاسی تان همین که به خود آگاهی از هستی خود رسید و به اراده فاقد عقل، سرنوشت تان را به عده ای یا کسی نسپارید.

از ۱۹۹۲ تا کنون وضعیت افغانستان به طور نزدیک به مطلق، در تطبیق به دوره تاریک اروپا یا قرون وسطا بوده و قرون وسطا که از منبع فیاض عقلگرایی قرآن نیز مستفید می شوند و گام نخست شان تطبیق حالت دینی شان با دین جدید محمد عربی بود، که تطبیق خاصیت عقلگرایانه است و این تطبیق محرکه می شود به سوی عقلانیت از قرون وسطا اروپا به دوره جدیدی یا رنسانس یا روشنگری... پس این سرشت ذاتی انسان که سود جو، مکار و حيله گر می باشد به منافع خصوصی خودش، که این چنین سرشت های درونی انسان ربطی به متون مقدس دینی و ایده عقلی فلسفی ندارد.